



پرسمان سیاسی

ویژه پاسخ به سوالات و شبهات جوانان و دانش آموزان

پرسمان سیاسی

ویژه پاسخ به سوالات و شبهات جوانان و دانش آموزان

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

چاپ: مرکز چاپ سپاه

✕ آذر ۱۴۰۱ ✕ شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

مقدمه

همان‌طور که رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مردم اصفهان به مناسبت بزرگداشت حماسه‌آفرینی ۲۵ آبان ۱۳۶۱ تأکید فرمودند؛ راهبرد دشمن در ایجاد اغتشاش و ناآرامی‌های پائیز ۱۴۰۱ به بهانه فوت مرحومه خانم مهسا امینی، توقف روند قدرت‌یابی و پیشرفت جمهوری اسلامی ایران بود که در پرتو جنگ هوشمند ترکیبی که تلفیقی از جنگ نرم، جنگ نیمه سخت و سخت با سطوح درگیری بالا به منصف ظهور و بروز رسید، اما هدف گذاری کلان دشمن نتوانست جامه عمل بپوشد و دشمنان غدار جمهوری اسلامی همانند گذشته ناکام ماندند.

با وجود این ناکامی‌ها، تحرکات تردیدافکنانه و شبهه‌پردازانه دشمن ذیل کانونی‌ترین لایه این جنگ ترکیبی هوشمند، یعنی جنگ شناختی و جنگ رسانه‌ای - تبلیغاتی تداوم دارد. دستگاه سوژه‌ساز و شبهه‌پرداز آن به شدت با هدف گذاری قشر نوجوان و جوان ما، یعنی دانش‌آموزان و دانشجویان این کشور به کار اغواگری، دروغ‌پردازی، تحریف و وارونه‌نمایی وقایع و حقایق مرتبط با انقلاب، جمهوری اسلامی، سیاست‌ها و برنامه‌ها و

دستاوردهای آن و حتی نحوه روایت‌گری حوادث اخیر مشغول است. دشمن در پرتو این راهبرد، در صدد ایجاد فضای ذهنی بن بست‌نمایی از حل مشکلات اقتصادی کشور هم در سطح ادراک مسئولان و هم در سطح افکار عمومی است تا مردم و به ویژه جوانان را نسبت به نظام، آینده و مسئولان دلسوز دلسرد و ناامید نماید.

اگر قاطعیت امنیتی و قضایی نسخه کنترل و مقابله با روند اغتشاشات و برون‌رفت از آن است، تدارک و تمهید پاسخ‌های اقناعی و منطقی به سوالات، شبهات و تردیدهای ذهنی نوجوانان و جوانان راه‌حل غلبه بر جنگ شناختی و ادراکی است. از این‌رو، لازم است با جدی گرفتن آرایش جهاد تبیین، با جوانان در زمینه‌های مختلف به زبان خودشان سخن گفت و نیازها و اولویت‌های آنها را شناخت و در صدد انتقال آنها به مسئولان برآمد. همچنین باید این روند را با مطالبه‌گری دلسوزانه و انقلابی از مسئولان برای حل مسائل و مشکلات مردم و جوانان در روندی علمی و مرحله‌بندی شده و با برنامه از مسئولان خواست.

پیش از این «پرسمان سیاسی ویژه حوادث و اغتشاشات شهریور و مهر ۱۴۰۱» از سوی معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه برای هادیان سیاسی و جهادگران عرصه تبیین انتشار یافته بود. در همین راستا، تلاش شد در پرسمان سیاسی پیش‌رو به مهمترین سوالات و شبهات جوانان و قشر دانش‌آموزان که تحت تاثیر هیجانات جوانی و اغواگری‌های فضای مجازی برخی از آنها در اعتراضات و اغتشاشات پائیز ۱۴۰۱ حضور فعال داشتند، با استفاده از نظرات متخصصین و مجربین حوزه ارتباط با نوجوانان و جوانان پاسخ منطقی و

تا حدودی اقصای داده شود. تمرکز سوالات و شبهات بر مباحثی همچون حجاب، آزادی، مساله زنان، آینده امیدبخش و نظام حکمرانی و ... نشان از اثرگذاری برنامه‌ریزی‌های اتاق‌های فکر و شبکه‌های رسانه‌ای دشمن دارد که باید با امعان نظر به آنها با صبوری و متقن پاسخ داد. در پایان از همکاران و کارشناسان معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه که در مدتی محدود و با روحیه جهادی به احصاء و دسته‌بندی سوالات و شبهات پرتکرار دانش‌آموزان از کل کشور و پاسخ به آنها اهتمام نشان دادند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید. بهره‌برداری از این پرسیمان سیاسی به مسئولان و هادیان سیاسی و به ویژه افرادی که با قشر جوان دانش‌آموز و دانشجو ارتباط دارند توصیه می‌شود.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

فصل اول

پاسخ به ابهامات و پرسش‌های اقتصادی و مالی

۱- مشکلات اقتصادی چه زمانی تمام خواهد شد؟

برای پاسخ به این پرسش اول باید تعیین کنیم منظورمان از مشکلات اقتصادی چیست؟ امروز در تمام کشورها، حتی در دولت‌هایی که به اصطلاح به کشورهای اسکاندیناوی و دولت‌های رفاه معروف هستند، شاهد مشکلاتی از جنس اقتصادی و معیشتی هستیم؛ اما آنچه امروز با عنوان کاهش قدرت خرید، نبود برنامه‌ریزی اقتصادی و انباشت چالش‌ها و مشکلات اقتصادی در ایران مشاهده می‌شود، در موضوعاتی، چون عدم تخصیص بهینه منابع و امکانات کشور و نداشتن اولویت مشخص در اقتصاد ملی ریشه دارد؛ به گونه‌ای که کشورهای توسعه‌یافته امروز دنیا، در طول تاریخ خود با بحران اقتصادی به شدت بیشتر و شدیدتر از مشکلات و چالش‌های اقتصادی امروز در ایران مواجه بوده‌اند. تمام این اقتصادها با اولویت‌گذاری در اقتصاد و تمرکز بر آن توانستند از این دوران گذار،

عبور کنند. متأسفانه، بخش قابل توجهی از مشکلات اقتصادی موجود در ایران در نبود اولویت‌بندی در اقتصاد ایران ریشه دارد. مشکلات اقتصادی ایران، از جمله تورم‌های افسارگسیخته و مواردی، چون رشد اقتصادی پایین و میزان بیکاری بالا و... تنها در صورتی حل خواهد شد که اقتصاد ایران با ایجاد اولویت مشخص (توجه به تولید ملی) از این مرحله عبور کند. مدیریت کشور به صورت روزمره و بدون داشتن اولویت مشخص قطعاً به حل مشکل ما، یعنی انباشت چالش‌های پیش روی اقتصاد ایران منجر نخواهد شد. برای نمونه، آلمان پس از جنگ جهانی دوم، اولویت اصلی اقتصاد خود را بر تولید کالا و افزایش تولید خود فارغ از قیمت متمرکز کرد تا بتواند تولید خود را احیا کند، به گونه‌ای که در آن مقطع تاریخی همه مسائل اقتصادی در حاشیه این اصل قرار گرفتند. در اقتصاد ژاپن نیز نظام قیمت و رقابت‌پذیر کردن تولیدات در اولویت قرار گرفت و تولید ارزان قیمت یا اقتصادی به مهم‌ترین اولویت اقتصاد ژاپن تبدیل شد؛ اما در اقتصاد ایران هرگز طی نیم قرن اخیر چیزی به نام «تولید ملی»، اولویت ملموس نبوده و با وجود تأکیدات رهبر معظم انقلاب بر موضوع «تولید»، بسیاری از موارد اقتصادی دیگر ارجح بر آن بوده است.

۲- آیا می‌توان به پیشرفت و وضعیت اقتصادی کشور امیدوار بود؟

برخی از اقتصادها با توجه به ظرفیت‌های خود باید سقف مشخص و معینی را برای خود متصور باشند، اما ماجرا برای اقتصاد ایران به شدت برعکس است؛ به گونه‌ای که آنچه امروز به لحاظ حجم و ظرفیت عملیاتی یا بالفعل اقتصاد ایران مشاهده می‌شود، شاید کمتر

از ۲۰ درصد ظرفیت‌های بالقوه اقتصاد ایران باشد. صندوق بین‌المللی پول در آخرین گزارش خود، اقتصاد ایران را بیست‌ویکمین اقتصاد دنیا و بالاتر از اقتصادهایی، چون اتریش، ایرلند و سوئد قرار داده است. دلیل این موضوع بزرگی و قدرت درونی اقتصاد ایران است. شاید در نگاه اولیه، وقتی به شما به منزله دانش‌آموز (فارغ از نگاه مذهبی و عرق به دین و فرهنگ و وطن و...) گفته شود دوست دارید در چین یا نروژ متولد شوید یا زندگی کنید، تعدادی از شما کشور نروژ را انتخاب می‌کنید؛ چرا که سطح رفاه شهروندان آن ممکن است بالاتر از اقتصادی، مانند چین باشد. همین مثال را می‌توان در مورد ایران و سوئد نیز تعمیم داد؛ اما آمارهای جهانی و بین‌المللی، اقتصاد ایران را بزرگ‌تر و قوی‌تر از اقتصاد سوئد معرفی می‌کند. توجه به این موضوع از این نظر اهمیت دارد که نشان می‌دهد شرایط و ظرفیت‌ها برای پیشرفت و توسعه کشور کاملاً فراهم است. از طرفی شاخصی چون شاخص توسعه انسانی که فراگیری و نفوذ و گسترش امکانات آموزشی و درمانی و بهداشتی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است، در ایران وضعیت بسیار مطلوبی دارد. اقتصاد ایران جزء ۲۰ اقتصاد بزرگ دنیاست و کشورمان در شاخص توسعه انسانی در رتبه چهارم قرار دارد. حتی طی نیم قرن اخیر ایران دومین کشور دنیا به لحاظ رشد در شاخص توسعه انسانی بوده است؛ شاخصی که بستر اصلی برای پیشرفت و توسعه یک کشور است.

۳- چرا وقتی ربا حرام است، بانک سود و بهره عقب افتاده می‌گیرد؟

شاید ریشه اصلی این مسئله به نداشتن فهم صحیح اقتصاددانان و بانکداران ما از اقتصاد و به تبع آن بانکداری اسلامی بازگردد. متأسفانه، این موضوع از نکاتی است که به دلیل پیچیدگی‌های آن اصلاح اساسی در این حوزه صورت نگرفته و اصلاحات صورت گرفته ناقص و غیردقیق بوده است. راه این است که دو عامل دانش اقتصاد اسلامی و جسارت و شهامت در کنار یکدیگر قرار گرفته و یک تحول اساسی در این حوزه اجرایی شود. برای تحقق این موضوع نیز می‌توان مدل بانکداری اسلامی را، که مدل مشخص آن از سوی نظریه‌پردازان این حوزه مکتوب و آماده بوده و وجود دارد، به صورت مرحله‌بندی و آزمایشی اجرایی کرد. دانش لازم برای تحقق این نگاه در کشور وجود دارد و فقط نیازمند اعتماد و جسارت است. باید به یاد داشته باشیم مدل اقتصاد سرمایه‌داری که امروز شاهد آن هستیم (با وجود همه ایرادات موجود) بعد از ده‌ها سال آزمون و خطا به مرحله اجرایی خود رسیده است؛ اما متأسفانه شهامت و جسارت کافی میان دولت‌ها برای اجرا کردن مدل اقتصاد اسلامی در ایران وجود ندارد. به نظر می‌رسد، دلیل اصلی آن ناآشنایی و نداشتن شناخت دولت‌ها از اقتصاد اسلامی و به تبع آن بانکداری اسلامی است و کسانی که ادعای تخصص در این حوزه را دارند، اقتصاددان اصیل در این حوزه نیستند. با بازتعریف مفاهیم سود و بهره، پول و سرمایه این مشکلات کاملاً قابل حل است.

۴- چرا با گروه‌های رانت و مافیا برخورد نمی‌شود؟ چرا با اختلاس مبارزه

نمی‌شود و بعضی وقت‌ها مسئولیت‌های مهم‌تری می‌گیرند؟

چرا ما می‌گوییم رانت و مافیا وجود دارد؟ چرا می‌گوییم اختلاس هست؟ احتمالاً به واسطه اخباری که گاهی از رسانه‌ها در این باره می‌بینیم یا می‌شنویم. علنی شدن این اختلاس‌ها به معنای مقابله با آن است؛ چرا که اگر مبارزه‌ای نباشد، علنی شدن نیز در کار نخواهد بود. با این حال، شاید مشکل اصلی این مسائل از دو حیث قابل بررسی باشد: یکی، موضوع قوانین است که متأسفانه در برخی موارد، فسادآور است. وقتی قوانین قابل تفسیر و غیر شفاف باشند، ممکن است در مقاطعی افراد (نه به نیت فساد و اختلاس) وارد فرآیندهایی شوند که منتج به فساد شود. طبیعتاً باید قوانین کشور شفاف باشد و از موارد قابل تفسیر پرهیز شود؛ اما نکته دوم وجود مدیرانی است که متأسفانه در تمام دولت‌ها نیز حضور داشته و جایگاه‌شان از مسئول اجرایی فراتر رفته و گاهی در نقش نظریه‌پرداز ظاهر شده‌اند. این افراد اصولاً با چارچوب‌ها و فلسفه وجودی جمهوری اسلامی نیز در تناقض هستند، هیچ عرق و علقی به نظام اسلامی و باورها و آرمان‌های آن نداشته‌اند. عمده مفاسد و اختلاس‌هایی که در سال‌های اخیر رخ داده، واقعاً در کمتر موردی از این دو حالت، یعنی ضعف قوانین و تفسیر پذیر بودن آن یا ضعف و فساد مدیران خارج بوده است. برای نمونه، فردی که مدیر است؛ اما بعد از فسادش مشخص می‌شود دوتابعیتی بوده یا فردی که امروز از همجنس‌بازان یا کشف حجاب و... دفاع می‌کند؛ اما در گذشته نماینده مجلس بوده است؛ آیا می‌تواند هیچ عرق و علقی به آرمان‌های نظام اسلامی داشته

باشد؟ شاید بتوان شایسته‌سالاری و نظارت بر تصدی مسئولیت‌ها را یکی از مهم‌ترین مصادیقی دانست که می‌تواند مفسد اقتصادی را به شدت کاهش دهد. در سال‌های گذشته، کم نبوده‌اند کسانی که از طریق میزهای مدیریتی یا با امکانات جامعه اسلامی به خیانت، ایجاد یأس و اتلاف بیت‌المال دست زده‌اند که شاید بزرگ‌ترین ضعف ما در این حوزه به کار نگرفتن افراد بر اساس نظام شایسته‌سالاری و مبتنی بر آن بوده است.

فصل دوم

پرسی درباره علت اغتشاشات

۵- علت اصلی این اغتشاشات چیست؟

همان‌طور که رهبر معظم انقلاب هم فرمودند علت اصلی وقوع اغتشاشات، طراحی آمریکایی‌ها برای متوقف‌سازی روند پیشرفت و قدرت‌یابی جمهوری اسلامی است. آمریکایی‌ها با مشاهده روند رشد شاخص‌های اقتصادی، تکنولوژیکی، علمی و تقویت مولفه‌های فرهنگ اسلامی به فکر چالش‌سازی و مانع‌سازی برای ایران اسلامی بودند که وقوع حادثه فوت تاسف‌آور خانم مهسا امینی بهانه لازم برای مداخله و مدیریت اغتشاشات در پوشش اعتراضات اجتماعی را به آنها داد؛ چرا که این حادثه و ویژگی‌هایی که مرحومه امینی داشت از ظرفیت فعال‌سازی شکاف‌های قومی، مذهبی، جنسیتی و نسلی با چاشنی اعتراض برخوردار بود. لذا خبر این فوت با ادراک‌سازی غلط و روایت‌سازی نادرست رسانه‌های جبهه استکبار و جریان ضدانقلاب که از قبل آماده و طرح‌ریزی شده

بود، به تعبیر فعال رسانه‌ای ضدانقلاب خانم علی‌نژاد به «اسم رمز» جدیدی برای آشوب و اغتشاش علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد. شبکه منسجم رسانه‌ای و عملیات روانی نظام سلطه از فوت خانم امینی به عنوان قتل و کشته شدن به واسطه ضرب و شتم از سوی ماموران نیروی انتظامی یاد کرده به صورت گسترده به تحریک مردم پرداخته و آنان را برای اعتراض و اغتشاش به خیابان‌ها فرا خواندند که منجر به خسارات جانی و اقتصادی زیادی به کشور و مردم شد و چند ماه فضای عمومی جامعه را ملتهب و ناامن ساخت.

۶- چرا با فوت خانم مهسا امینی این اغتشاشات پدید آمد؟

جمهوری اسلامی ایران به دلیل بافت ایدئولوژیک و قدرتمند شدن‌اش دشمنانی دارد که از هر فرصتی و روزنه‌ای بهانه و حربه برای ایجاد درگیری، اغتشاش و به هم ریختن نظم و امنیت آن استفاده می‌کنند. در قضیه این خانم هم دشمن با تحریک احساسات جوانان و نوجوانان بخصوص زنان علیه نظام و دعوت از مردم برای تجمعات اعتراضی از طریق تنفرسازی، دوقطبی کردن جامعه، کشته‌سازی و فراگیر نشان دادن آن با هدف انتساب به نظام و خون رو دست نظام گذاشتن همانند فتنه‌های گذشته، تلاش کرد تا اعتراض به برخی از سیاست‌ها و قوانین را به اغتشاش و آشوب خیابانی تبدیل نماید، تا از این فرصت پدید آمده علیه ناامن سازی کل کشور برای ضربه زدن به ایران قوی و مستقل در راستای تجزیه آن و سوری‌سازی ایران بهره بگیرد.

۷- چرا در ایران حرکات اعتراضی به اغتشاشات تبدیل می‌شود؟

این موضوع از یک منظر به رفتارشناسی دشمن غدار نظام مقدس جمهوری اسلامی برمی‌گردد که در طول این چهل و اندی سال از عمر نظام شمشیر دشمنی را با آن از رو بسته است. لذا کوچک‌ترین موضوع در خصوص نقد و اعتراض به مشکلات و مسائل اداری و حکمرانی که گاهی هم امری طبیعی در امور حکومت‌داری است و در همه جای دنیا این قبیل مسائل و نارضایتی‌ها وجود دارد را برجسته و تلاش می‌کند با تبدیل آن به آشوب و اغتشاش برای کشور مساله‌سازی و هزینه‌تراشی نماید.

البته تجربه این فعالیت‌ها در گذشته نشان می‌دهد که معمولاً قاطبه مردم، کمترین همراهی با طراحان آشوب نمی‌کنند لذا آشوب‌گران گاهی ماموریت پیدا می‌کنند با صحنه‌سازی‌های تند و خشن خلاء بزرگ «عدم حمایت مردم» را بپوشانند. از سوی دیگر نیاز غرب به تحریف واقعیت ایران قوی در نگاه ناظران جهانی است تا از اثرگذاری و پیشرفت ایران در مناسبات جهانی بکاهد و به تعبیر دشمنان، پرستیژ و مقبولیت نظام اسلامی را در افکار عمومی دنیا به گونه‌ای دیگر که القای ایرانی ناامن می‌کند تصویر نماید. خلا یا عدم شفافیت قانونی در باره نحوه و مکانیزم اعتراض هم می‌تواند مورد توجه واقع شود. باید برای مردم و جامعه تبیین شود که چگونه می‌توانند صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان برسانند که هم مسالمت‌آمیز باشد و هم مسولان را وادار به کار نماید.

۸- آیا اغتشاشات ممکن است به دلیل بی‌برنامگی دولت باشد؟

این حرف با مستندات و آمارهای موجود ناهمخوانی دارد؛ چرا که عملکرد اقتصادی دولت طی یک سال گذشته در راستای قرار دادن اقتصاد ایران در ریل صحیح و آواربرداری از اقتصاد بوده است. نگاهی به آمارهای اقتصادی نشان می‌دهد، میزان درآمدهای نفتی ما در پنج ماه اول سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته هشت برابر شده یا درآمدهای مالیاتی ما (بدون افزایش مالیات بر تولید) رشدی ۶۴ درصدی داشته است. صادرات غیر نفتی ما نیز رشد داشته و... همه این‌ها حرکت دولت در مسیری درست را نشان می‌دهد. از طرفی، طرح حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی که شاید طرحی بزرگ‌تر از افزایش قیمت بنزین در آبان ماه ۱۳۹۸ بود، با کمترین پیامدها و تا حدودی موفق بود یا حداقل پیامدهای کمی داشت. لذا به نظر می‌رسد، ریشه این اغتشاشات را باید در جایی بیرون از اقتصاد جست‌وجو کرد. اگر چه نمی‌توان منکر شد که در یک دهه اخیر به دلیل انباشت چالش‌های اقتصادی و کاهش شدید قدرت خرید و ارزش پول ملی، مسائل معیشتی نقش بسیار پررنگی در نارضایتی‌ها داشته و در این اغتشاشات هم ممکن است نقش کاتالیزور را داشته باشد؛ اما دغدغه اغتشاشگران قطعاً اقتصاد و معیشت نبوده و نیست؛ چرا که تداوم این اغتشاشات منجر به آسیب‌ها و خسارت‌های اقتصادی زیادی، چون عدم سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و به تبع آن رشد اقتصادی خواهد شد.

فصل سوم

پرسش‌هایی درباره چستی و چرایی حجاب

۹- چرا ما باید به صورت اجباری حجاب داشته باشیم؛ در صورتی که در دنیا حق انتخاب وجود دارد و هر فردی می‌تواند تصمیم بگیرد که چه

چیزی بپوشد؟

حتماً در خصوص این آیه شریفه زیاد شنیده‌اید؛ اما معنایی که از این آیه مشهور است، دقیق نیست. این آیه شریفه به معنای نبود اجبار و اکراه در پذیرش دین است. اما وقتی کسی وارد یک دین شد، رعایت قوانین آن برای او لازم است و نمی‌تواند بخشی از آن را انتخاب کرده و بخش دیگر را رها کند. از طرف دیگر احکام اسلامی دو جنبه دارند: جنبه فردی و جنبه اجتماعی. حجاب هم مانند دیگر واجبات دینی بر همه مسلمانان واجب است؛ اما اجباری در اجرای آن در حوزه فردی وجود ندارد. برای نمونه، اگر کسی در خانه خود یا میهمانی خصوصی، در جلوی نامحرم حجاب نداشته باشد، گناه کرده است؛

اما کسی از او بازخواست نمی‌کند؛ مانند کسی که واجب مهمی، مانند نماز را ترک کند؛ اما در جایی که امور جنبه اجتماعی پیدا می‌کند، وضع فرق میکند؛ زیرا کارهای ما فقط به خود ما مربوط نمی‌شود و بر روی دیگران و جامعه هم اثر می‌گذارد؛ به همین دلیل در همه کشورها (تأکید می‌کنم همه کشورها) قوانین اجباری برای پوشش وجود دارد. فقط مسئله این است که مقدار این پوشش تفاوت می‌کند؛ چرا که پوشش هر فرد در اجتماع و کوچه و خیابان، روی دیگر افراد هم تأثیر می‌گذارد. بنابراین، چیزی به نام حجاب اجباری وجود ندارد و آنچه در بخش اجتماعی مطرح است، پوشش الزامی است که در همه کشورها وجود دارد و طبیعتاً در کشور ما با اکثریت جمعیت مسلمان، مبنای این قانون پوشش، قوانین اسلامی هستند.

از سویی ما در حوزه پوشش هم در این کشورها با یک قوانین ویژه روبه‌رو هستیم. با اینکه در حوزه فردی خود بابت هر پوشیدنی آزاد هستند؛ ولی در مراکز عمومی، مانند دانشگاه ملزم به رعایت ضوابط عمومی هستند.

برای نمونه، دانشجویان ملزم به رعایت قوانینی در حوزه ضوابط پوششی با عنوان «STUDENT DRESS CODE» هستند که به اطلاع دانشجویان و دانش‌آموزان می‌رسد. جست‌وجوی این عبارت در فضای اینترنت نشان می‌دهد، در هر دانشگاهی در زمینه نحوه پوشش دانشجو ضوابطی مشخص شده است. برای نمونه، در دانشگاه آکسفورد قانون ذیل برای دانشجویان لازم‌الاجراست:

۱. بر اساس ضوابط دانشگاه آکسفورد، هیچ دانشجویی اجازه پوشیدن لباس تنگ و خارج از عرف را ندارد؛ دختران اجازه پوشیدن لباس کوتاه بالای زانو، باز و بدون آستین را ندارند.

۲. پسران دانشجو نیز اجازه بلند کردن ریش و مدل موهای نامناسب را ندارند.

۳. بر اساس قوانین جدید این دانشگاه، تمام دانشجویان دختر و پسر موظف به انتخاب کت و شلوار یا کت و دامن بلند با پیراهن سفید هستند؛ پسران باید از پاپیون یا کراوات مشکی و سفید و دختران از جوراب مشکی استفاده کنند.

پس حوزه اجتماعی هر کشوری با حوزه فردی و خانوادگی آن متفاوت است و آنچه ضوابط اجتماعی را مشخص می کند، ارزش‌ها و هنجارهای عرفی، شرعی و قانونی آن کشور است. در کشور ما هم آنچه «حجاب» نامیده می شود، بر اساس سه مؤلفه مذکور است؛ یعنی افزون بر دستور دینی و مسائل قانونی، اگر به تاریخچه ایران و آثار به جای مانده در زمان باستان نگاه کنیم، می بینیم که نخستین ساکنان آریایی زنان‌شان پوشیده بودند و پیراهن و شلوارهای بلند به تن داشتند. تاریخچه غرب هم نشان می دهد، پوشش موجب تکریم زن و عدم پوشش منجر به تقلیل زن به مثابه کالای مصرفی و جنسی می شود. چنانچه در المپیک اخیر تیم ژیمناستیک زنان آلمان با لباسی در المپیک شرکت کردند که از مچ پا تا گردن را می پوشاند و آستین‌های تا زیر آرنج دارد. در مواجهه با علت و چرایی این قضیه، آلمانی‌ها گفته اند، قصدشان از انتخاب این لباس این بوده که با نگاه جنسیت زده به ورزش مقابله کرده و مانع از نگاه جنسیتی به زنان شوند.

۱۰- حجاب در قرآن آمده یا یک دستور ساختگی است؟

خود شما چه فکر می‌کنید؟ یعنی صدها میلیون خانم مسلمان در سراسر دنیا به دلیل یک دستور ساختگی حجاب را رعایت می‌کنند؟

باید بدانید مرجع احکام اسلامی فقط قرآن نیست و بخش زیادی از احکام و مسائل اسلامی از جانب پیامبر (ص) و ائمه معصوم (ع) برای ما گفته شده است. پس اگر حکمی از احکام شرعی در قرآن نیامده باشد، نشان‌دهنده ساختگی بودن آن نیست. با همه این اوصاف، ضرورت حجاب در آیه‌های مختلفی از قرآن آمده است. برای نمونه، خداوند در آیه ۵۹ سوره احزاب می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجُكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ ای پیغمبر (گرامی) با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادر فرو پوشند، که این کار برای اینکه آنها (به عفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوسرانان) آزار نکشند، بسیار نزدیک‌تر است و خدا (در حق خلق) بسیار آمرزنده و مهربان است. (الأحزاب، ۵۹)

همچنین آیه ۳۱ سوره نور به آیه حجاب مشهور است. «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ...»؛ و زنان مؤمن را بگو تا چشم‌ها را (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندام‌شان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود (بر بیگانه) آشکار نسازند، و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بپوشانند

و زینت و جمال خود را آشکار نسازند... (النور، ۳۱) بنابراین آیه حجاب علاوه بر احکام اسلامی، در قرآن نیز آمده و بر آن تأکید شده است.

۱۱- فلسفه حجاب در اسلام چیست؟

فلسفه پوشش در مکتب اسلام چند چیز است؛ بعضی از آنها جنبه روانی دارد و بعضی جنبه خانوادگی و بعضی دیگر جنبه اجتماعی و بعضی مربوط به بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال است. در این جا به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

۱- ارزش و احترام زن مسلمان در جامعه با عفت و حیا مساوی است و داشتن پوشش، او را محترم داشته، از نگاه‌های ناپاک و آلوده مصون می‌دارد و مقامی ارزشمند و جایگاهی والا برای او به ارمغان می‌آورد. حجاب ضامن حفظ زنانگی و حریم اختصاصی زنانه و عاملی برای تمایز زن از مرد است. این امر با توجه به ویژگی‌های متفاوت زنان با مردان، در حفظ سلامت روحی و اخلاقی زن تأثیر مثبت دارد.

۲- حضور بانوان در محیط کار و فعالیت، همراه با پوشش مناسب، آنها را از تعرض نامحرمان حفظ کرده و سبب می‌شود با امنیت و آرامش خاطر وظایف خود را انجام بدهند. در فضایی که معاشرت زن و مرد آزاد باشد، فساد و بی بندوباری رشد کرده و به ضعف و رکود فعالیت‌های اجتماعی می‌انجامد. اسلام می‌خواهد اجتماع مرکز کار و فعالیت باشد؛ برخلاف نظام غربی که می‌خواهد کار و فعالیت را با لذت‌جویی‌های جنسی همراه کند.

۳- امنیت و آرامش روانی و مصونیت در برابر طمع‌ورزی‌های هوسبازان یکی دیگر از انگیزه‌های حجاب است. در صدر اسلام، بعضی از زنان بی‌بندوبار بودند و نسبت به پوشش و حفظ حجاب اعتنا نمی‌کردند. خداوند حکیم دستور داد، زنان مؤمن و پاکدامن حجاب خود را کاملاً رعایت کنند تا بانوان با عفت و پاکدامن از زنان بدحجاب و آلوده مشخص شوند. وقتی زن کاملاً خود را بپوشاند و با پاکدامنی در جامعه ظاهر شود، دیگر چشم‌ها به طرف او خیره نخواهد شد و از خطرهای در امان خواهد ماند. (جلال حسینی)

۱۲- در زمان حضرت فاطمه (س) اصلاً چادر وجود داشته که گفته می‌شود

حجاب کامل فقط چادر است؟

برای پاسخ به این پرسش بهتر است اول ببینیم مفهوم حجاب چیست؟ حجاب در لغت به معنای پرده و پوشش است. در اصطلاح هم به معنای پوششی است که بدن را از دیگران می‌پوشاند. با این تعریف، طبیعتاً در بین انواع لباس‌ها و حجاب‌ها، بهترین حجاب، حجابی است که کامل‌تر باشد و به نظر می‌رسد، هم اکنون پوششی بهتر و کامل‌تر از چادر وجود ندارد؛ اما در خصوص اینکه «آیا در زمان حضرت زهرا(س) چادر وجود داشته است یا خیر؟» یکی از چیزهایی که می‌تواند به خوبی این مطلب را برای ما روشن کند، «قرآن کریم» است. خداوند در آیه ۵۹ سوره احزاب به این مطلب اشاره دارد. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ ای پیغمبر (گرامی) با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان

بگو که خویشتن را به چادر فرو پوشند، که این کار برای اینکه آنها (به عفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوسرانان) آزار نکشند، بسیار نزدیکتر است و خدا (در حق خلق) بسیار آمرزنده و مهربان است. همانطور که می‌بینید، در این آیه شریفه، کلمه «جلباب» آمده است که به عقیده بسیاری از مفسران به معنای پوشش بلندی است که بدن را در بر می‌گیرد و امروزه به آن «چادر» گفته می‌شود. بنابراین، پوششی بلند و پوشاننده بدن، مانند چادر در زمان حضرت زهرا (س) وجود داشته و حتی در صورت نبود چادر امروزی در زمان حضرت زهرا (س) نیز، با توجه به معنا و مفهوم حجاب، چادر کامل‌ترین حجاب موجود است.

۱۳- اگر حجاب خوب است، چرا سایر ادیان الهی آن را رعایت نمی‌کنند؟

اتفاقاً پیروان سایر ادیان به رعایت حجاب تعبد خاصی دارند. برای نمونه، مؤمنان مسیحی و یهودی نسبت به رعایت حجاب حساسیت دارند. حتی در تاریخ ایران پیش از اسلام، ایرانیان حجاب داشتند؛ برای نمونه نمونه، در کتیبه‌های تخت جمشید، مجسمه زنان ایرانی با حجاب است. از سوی دیگر، حضرت محمد (ص) آخرین پیامبر و اسلام آخرین دینی است که خداوند متعال برای هدایت انسان فرستاده است. طبیعی است که آخرین دین، کامل‌ترین دین نسبت به سایر ادیان گذشته باشد. اینکه کامل‌ترین دین، احکامی داشته باشد که در سایر ادیان نباشد، امر عجیبی نیست؛ اما با همه اینها خوب است بدانید که حجاب در دین یهودیت و مسیحیت هم واجب بوده است؛ برای نمونه، در تورات که

کتاب مقدس یهودیان است، این داستان در نقل ماجرای ازدواج اسحاق (پسر ابراهیم^ع) با رفقہ یا به زبان لاتین ربکا) در سفر پیدایش آمده است: «رفقہ چشمان خود را بلند کرد و اسحاق را دید و از شتر فرود آمد، زیرا از خادم پرسید، این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید و خادم گفت آقای من است، پس بُرِقع خود را گرفته و خود را پوشانید.» (تورات، سفر پیدایش، ۶۴-۶۵/۲۴) برخی عالمان یهودی این بخش را دلیلی بر واجب بودن حجاب در یهودیت دانسته‌اند. البته تأکیدات تورات بر حجاب تنها همین نمونه نیست و موارد متعددی از تأکید بر حجاب را در تورات می‌توان دید. این سخت‌گیری در خصوص حجاب تا جایی ادامه یافته که بر اساس «تلمود» (کتاب احکام یهودی) «زنی که بدون پوشاندن سرش به میان مردان برود»، موجب باطل شدن ازدواجش شده و مهریه به او تعلق نمی‌گیرد. مسیحیت هم در بسیاری از احکام تابع دین یهود بوده است. در خصوص حجاب هم ضمن تأیید احکام یهودیت، حتی آن را مقداری سخت‌گیرانه‌تر کرده است. حجاب راهبه‌های مسیحی نشان‌دهنده این امر است. حجاب خانم‌های راهبه بسیار شبیه حجاب اسلامی است. در تصاویر قدیمی موجود در کلیساها و اماکن مذهبی مسیحی، حضرت مریم (س) حجاب کامل دارد که این حجاب نیز بسیار شبیه حجاب اسلامی است. اگر چه دنیای غرب در ترویج بی‌حیایی حتی همین را هم تحمل نکرده و در نقاشی‌های جدید، حجاب حضرت مریم (س) را هم کاهش داده است. همه اینها در خصوص اصل حجاب در دین‌های الهی بود، اما رعایت این دستور دینی یا

رعایت نکردن آن از سوی پیروان ادیان، بحث دیگری است که باید در جای خود بررسی کرد.

۱۴- چرا نمی‌توانیم دوست پسر داشته باشیم؟

در نظام خلقت به نیاز دختر و پسر برای ارتباط با همدیگر توجه شده و باز برای پاسخ به این نیاز شیوه مناسبی پیش‌بینی شده است که آن «ازدواج» است. بنابراین، اگر دختری می‌خواهد با پسری ارتباط داشته باشد یا پسری با دختری ارتباط داشته باشد، بهتر است این ارتباط از طریق ازدواج برقرار شود. فایده و مزیت ازدواج نسبت به دوستی میان دختر و پسر آن است که در ازدواج این رابطه آمیخته با تعهد است؛ اما در رابطه، تعهدی وجود ندارد. برای نمونه، پسر و دختری که دوست یکدیگر هستند، به راحتی می‌توانند همدیگر را ترک کنند، اما این امر برای زن و مرد به این راحتی نیست. با نگاه به آموزه‌های زیبای اسلامی به خوبی می‌توان جواب این نیاز اساسی را مشاهده کرد؛ ولی باید به یاد داشت، دارو و نسخه‌ای که اسلام و آموزه‌های وحیانی آن، برای این نیاز مبرم پیشنهاد می‌کند، یک داروی مقطعی و بی‌تأثیر نیست؛ بلکه نسخه‌ای کارآمد و اثربخش است. آموزه‌های وحیانی با تقویت نهاد خانواده و باز نگه داشتن مسیر ازدواج شرعی به این نیاز اساسی افراد پاسخ مثبت داده و آنها را متوجه زندگی مشترک و حیات طیبه کرده است. حیات طیبه‌ای که برای انسان آرامش و آسایش دو گیتی را به ارمغان می‌آورد. خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَجَعَلَ

بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ و از نشانه‌های قدرت اوست که برای تان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. در این عبرت‌هایی است برای مردمی که تفکر می‌کنند. (روم، ۲۱)

۱۵- چرا با وجود فساد در بخش‌های دیگر آنقدر روی مسئله حجاب

حساسید. چرا جلوی خلافاکارها و دزدها را نمی‌گیرید؟

کار بد هیچ کس نمی‌تواند مجوزی برای کار بد بقیه باشد. اگر این منطق درست باشد، دزدها و اختلاس‌گرها هم می‌گویند چرا به جای برخورد با ما جلوی قاتل‌ها را نمی‌گیرید؟ قاتل‌ها می‌گویند به جای برخورد با قاتل‌ها، جاسوس‌ها را بگیرید و همین‌طور می‌توان این داستان را ادامه داد. دزدی و خلاف کارهای خیلی بدی هستند که باید مسئولان با آن برخورد کنند (این برخوردها هم انجام می‌شود و اخبار بخشی از آنها در رسانه‌ها وجود دارد)؛ اما این مسئله باعث نمی‌شود زشتی بدحجابی یا بی‌حجابی کم شود یا نادیده گرفته شود؛ بنابراین با هر کار بد و غیرقانونی باید مبارزه شود و نمی‌توان به بهانه برخورد با یک کار بد از کار زشت دیگری چشم پوشید.

فصل چهارم

پرسش‌هایی درباره آزادی زنان

۱۶- چرا زنان و دختران در این کشور آزادی ندارند؟

هیچ محدودیت و تبعیضی علیه زنان وجود ندارد؛ یعنی اینگونه نیست که قانون یا دولت زنان را از حقوق‌شان محروم کند. زنان در حقوق شهروندی با مردان برابرند. برای نمونه، همانگونه که مردان حق رأی، تحصیل، اشتغال و... دارند، زنان نیز این حقوق را دارند. حتی در مواردی، زمینه برای زنان بیشتر فراهم است. برای نمونه، درصد پذیرش دختران در دانشگاه‌ها، بیشتر از مردان است. این را هم باید در نظر گرفت که آزادی فقط در امور جنسی نیست. تعداد زنان و دختران شاغل در دانشگاه‌ها، ادارات کشور، بخش درمان و پزشکی، ورزش و سایر موارد در مقایسه با قبل از انقلاب اسلامی، توجه جدی جمهوری اسلامی به موضوع حقوق زنان را نشان می‌دهد.

۱۷- زمان شاه آزاد و شاد بودیم، الآن افسرده‌ترینیم. آیا این صحت دارد؟

- «آزادی» یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب است؛ زیرا در زمان شاه حکومت استبدادی حاکم بود و اجازه آزادی نمی‌داد. جالب آنکه شاه در مصاحبه با «فیگارو» وقتی خبرنگار از او می‌پرسد، چرا با وجود طرفداری از حقوق بشر، زندان‌ها در ایران پر از زندانی سیاسی است، پاسخ می‌دهد، «در مملکتی که بیش از سه چهارم مردم آن سواد خواندن و نوشتن ندارند، بهترین شیوه حکمرانی، سرسخت‌ترین دیکتاتوری است.»

- طبق آمارهای بین‌المللی، ایران در هیچ برهه‌ای جزء افسرده‌ترین کشورهای دنیا نبوده و نیست.

- ممکن است میزان شادی مردم در گذشته بیش از الآن بوده باشد که این البته به حکومت‌ها ربطی ندارد. دلیل عمده آن به سادگی زندگی در گذشته و تجملاتی و پیچیده شدن زندگی در شرایط امروزی مربوط می‌شود. برای نمونه، در گذشته چندین خانواده در یک حیاط زندگی می‌کردند و با هم روابط صمیمی داشتند، اما الآن حتی فرزندان حاضر نیستند با پدر و مادر خود زندگی کنند.

۱۸- چرا در کشورهای دیگر آزادی فراوان، از جمله آزادی پوشش داده

شده است؟

در پاسخ باید به این نکته مهم توجه داشت که در همه یا دست کم بیشتر کشورهای دنیا پوشش حدود و ثغور دارد. در عین حال، از نگاه اسلام، آزادی پوشش به هیچ وجه

خدمت به زن نیست، بلکه به منظور استفاده ابزاری از زن است. همین یک نکته بسیار جای تأمل دارد که چرا در غرب، مردان باید با پوشش کامل و کاملاً رسمی ظاهر شوند، اما حتی در مراسم‌های رسمی زنان باید با پوشش‌های بد و نامناسب ظاهر شوند؟ آیا این خدمت به زن و لازمه حفظ شأن و شخصیت زن است؟ قطعاً خیر.

۱۹- حجاب و روابط آزاد یک حق و مسئله شخصی است و به جامعه ربطی

ندارد؟

اکنون با گذشت چند دهه از گسترش فمینیسم در جهان که ابتدا مطالبه آزادی در پوشش و روابط بود، آثار و نتایج اجتماعی آن در روند رو به افزایش فروپاشی نهاد خانواده، افزایش فرزندان طلاق و افزایش تولد فرزندان نامشروع به خوبی مشاهده می‌شود و از این لحاظ جهان غرب به بحران دچار شده است. به گزارش نهاد OECD، در آمریکا و اروپا که مروجان فمینیسم بودند، میزان طلاق طی دهه‌های گذشته به شدت افزایش یافته و نتایج آن افزایش فرزندان طلاق بوده است. از طرفی یک سوم آمریکایی‌ها بدون پدر واقعی خود بزرگ می‌شوند. همچنین بر اساس داده‌های سرشماری ایالات متحده درصد تولد فرزندان نامشروع به ۴۱ درصد در سال ۲۰۱۰ رسیده است. نتیجه افزایش تعداد فرزندان که بی سرپرست یا بد سرپرست هستند، افزایش جرم و جنایت و بزهکاری در آمریکاست. طبق گزارش‌های جامع منتشر شده، ۸۷ درصد از مجرمان آمریکا افرادی هستند که دوران کودکی را بدون پدر و یا مادر (اکثریت آنها با مادران مجرد) زندگی

کرده‌اند. بنابراین، می‌توان به خوبی درک کرد که روابط آزاد جنسی یک مسئله فردی نیست؛ بلکه ابعاد و آثار و پیامدهای مخرب اجتماعی بسیاری را به دنبال دارد.

۲۰- چرا حکومت باید دینی باشد؟ در صورتی که در خیلی از کشورها

حکومت دینی نیست، اما با سطح رفاه بالا و بهتر حکومت می‌کنند.

در کشور ما اکثریت مردم مسلمان هستند و طبیعی است که حکومت دینی باشد. همانطور که در کشوری که مردم آن دین ندارند، حکومت دینی عجیب و به دور از ذهن است، به همان دلیل حکومت غیر دینی در یک جامعه دینی، ناهمخوان و موضوع غیر طبیعی و برخلاف عقلانیت است. نکته بعدی اینکه بهتر حکومت کردن یا پیشرفت در جوامعی که حکومت دینی ندارند، به دلیل غیر دینی بودن حکومت نیست؛ بلکه در اثر فکر و اندیشه نظام‌مند، انضباط، آینده‌نگری، دانش مدیریت و وجدان کاری بالا در آحاد مردم است؛ چرا که زمانی اسلام و حکومت‌های اسلامی در دنیا ابر قدرت و دارای جوامع بسیار پیشرفته‌ای بودند.

فصل پنجم

پرسش‌هایی درباره چگونگی فوت خانم مهسا امینی

۲۱- جریان مهسا امینی چه شد؟ چرا شفاف‌سازی نشد؟

مهسا امینی به دلیل نداشتن پوشش مناسب بنا به تشخیص مأموران گشت ارشاد متوقف و به مرکز پلیس امنیت اخلاقی منتقل شد تا آموزش‌های لازم درباره لزوم استفاده مناسب حجاب در جامعه و برطرف شدن ظاهری با اهدای لباس به ایشان داده شود. متأسفانه، با توجه به زمینه‌های بیماری گذشته ایشان که در اسناد آن از سوی مراکز پزشکی و خانواده و پزشک قانونی تأیید شد، دچار بیهوشی شده و با وجود تلاش کادر پزشکی در بیمارستان فوت می‌کند. بعضی از امور به زمان نیاز دارد. بنابراین، بدون دلیل متقن نمی‌توان اظهار نظر عجولانه کرد؛ چراکه این اظهارات می‌تواند بر اساس تحلیل و داده‌های غلط شکل گرفته و در آینده موجب تضعیف اعتماد عمومی شود. از طرفی با

توجه به هجمه رسانه‌ای دشمن، با وجود شفاف‌سازی اولیه بر اساس داده‌های موجود، کمتر از طرف اغتشاشگران شنیده شد.

۲۲- چرا صدا و سیما خبر و علت فوت مهسا امینی را به موقع پخش نکرد و پس از اینکه این خبر از رسانه‌های خارج از کشور پخش شد و سخنگوی فراچاپس از دو روز درباره این موضوع صحبت کرد؟

با بستری شدن خانم مهسا امینی در بیمارستان کسری، خبر بستری شدن ایشان اعلام شد؛ اما فیلم حضور ایشان در پلیس امنیت اخلاقی، دو روز پس از فوت ایشان منتشر شد. ضمن اینکه خبر فوت ایشان نیز بلافاصله و بدون تأخیر اعلام شد.

۲۳- چرا فیلم دوربین مدار بسته سانسور شده است؟ چطور با ۶ دقیقه شب شد، در حالی که عصر بود؟

کل فیلم ایشان موجود است و قرار نیست برای هر مسئله‌ای چندین ساعت فیلم پخش شود و این مسئله به یک روال تبدیل شود. فقط قسمت‌هایی که موجب تنویر افکار عمومی می‌شود، تقطیع و پخش شده است.

فصل ششم

پاسخ به پرسش‌های مرتبط با فضای مجازی و فیلترینگ

۲۴- چرا اینستاگرام را فیلتر کردند؟ آیا لازم بود همه شبکه‌های خارجی رافیلتر کنند تا حقیقت افشا نشود؟

آدم عاقل همین که فهمید راهی را به اشتباه رفته، برمی‌گردد. پیام‌رسان توئیتر که مورد استفاده جمعی از نخبگان بود، فیلتر نبود؛ ولی در فتنه سال ۱۳۸۸ وبگاه توئیتر به منزله یک پیام‌رسان جنگی استفاده شد. به اعتراف کلینتون (وزیر خارجه اسبق آمریکا)، از این شبکه برای براندازی در ایران کمک گرفته شد. این اولین بار بود که در دنیا از یک شبکه اجتماعی برای ایجاد آشوب و تنش به این گستردگی استفاده می‌شد. پس از آنکه پیام‌رسان توئیتر کاربرد اطلاع‌رسانی خود را به جنگ‌افزار شبکه‌های اجتماعی تغییر داد، فیلترینگ در مقابل آن اعمال شد. «اینستاگرام» هم وضعیت مشابهی دارد و با وجود اینکه در اغتشاشات دی ماه ۱۳۹۶ و آبان ماه ۱۳۹۸ نقش کاملاً برجسته‌ای داشت، اما با مماشات

مسئولان از کنار خطاهای این شبکه که به ضرر امنیت ملی بود، گذشتند و اینستاگرام با یک سپر آهنین که در داخل حاکمیت داشت، توانست کاربران خود را به مرز ۵۰ میلیون برساند؛ ولی در شهریور ۱۴۰۱ ناگهان از اهداف این شبکه پرده برداشته شد و اتفاق‌های عجیبی در آن رخ داد و عملاً تمامی قوانین خود را در زمینه آموزش ساخت بمب، آموزش جنگ شهری، آموزش ترور، خشونت و... را زیر پا گذاشت؛ به گونه‌ای که صفحه اینستاگرام اینترنشنال هر روز ۱۰۰ پست و در مجموع در ۱۰ روز، یک هزار و ۱۰۰ پست با رویکرد آموزش، ترویج و بزرگنمایی خشونت و ترغیب به قانون‌شکنی منتشر کرد. در چنین وضعیتی، نظام برای مدیریت خشونت‌ها و متوقف کردن روند آشوب امکان دسترسی به این شبکه را محدود کرد؛ اما حقیقت آن است که دسترسی محدود شده است؛ زیرا هنوز بسیاری از کاربران با وی‌پی‌ان و فیلترشکن امکان دسترسی و بارگذاری ویدئو و عکس را در آن دارند؛ اما درباره افشای حقیقت، دقت داشته باشید که در این شبکه‌های اجتماعی هیچگونه کنترلی برای پایش اخبار فیک از اخبار حقیقی وجود ندارد و با سرعت خبرهای فیک که با ذائقه‌های مجازی همبستگی دارد، با ضریب بالایی در اکسپلور قرار می‌گیرد و با بازنشر، لایک و نظرات متعدد مواجه می‌شود. همین وایرال گسترده در مخاطب این توهم را ایجاد می‌کند که این خبر با این همه واکنش صحت دارد!

در کشورها، قانون‌های متعددی برای «دروغ‌رسانی» Disinformation و «غلط‌رسانی» Misinformation اخبار وجود دارد و برای شبکه‌های اجتماعی قوانین و مقررات

سختگیرانه‌ای تصویب می‌کنند تا به رعایت آنها ملزم شوند؛ اما وقتی اینستاگرام هیچ یک از قوانین ایران را تبعیت نمی‌کند، چاره‌ای جز محدود کردن استفاده از آن وجود ندارد.

۲۵- چرا اینترنت قطع می‌شود و فکری برای کسب و کارهای اینترنتی

نمی‌شود؟

روزگاری به ایران از مرزهای خوزستان، ایلام و کرمانشاه حمله می‌شد؛ در آن وضعیت که رژیم عراق به داخل مرزهای ما نفوذ کرده بود، یک دیدگاه وجود داشت که «زمین بدهیم و زمان بخریم»؛ یعنی اجازه پیشروی را به دشمن بدهیم تا در نقطه مناسب با او بجنگیم و صدام حسین وعده فتح یک روزه خرمشهر، سه روزه خوزستان و یک هفته‌ای ایران را می‌داد. دیدگاه دیگر این بود که حتی با دست‌ان خالی باید در مقابل دشمن ایستاد. اگر به بهانه اینکه سلاح نداریم، در جنگ خانه‌ها، کارخانه‌ها و زیرساخت‌ها آسیب می‌بینند یا مردم کشته می‌شوند، از دفاع دست می‌کشیدیم، الآن به جای ایران، ایرانستان داشتیم. در هشت سال دفاع مقدس ۲۱۳ هزار نفر از بهترین فرزندان این سرزمین به شهادت رسیدند تا استقلال و تمامیت ارضی کشور حفظ شود. به برکت آن جان‌هایی که آسمانی شد و آن خون‌های پاک‌ی که ریخته شد، در حال حاضر همه مرزهای زمینی، دریایی و هوایی امن است و کوچک‌ترین تیر جنگی در زمین، نفوذ کوچک‌ترین قایق متخاصم در دریا و کوچک‌ترین ریز پرنده از هوا بدون پاسخ نمی‌ماند؛ اما دشمن مسیر جدید بدون مرز و بدون دفاعی را برای شیخون به ایران انتخاب کرده است و آن، بستر

فضای مجازی است که در آمریکا به رکن پنجم نیروهای نظامی اضافه شده و ممکن است در این جهاد هم تعداد زیادی شهید بدهیم یا تخریب‌هایی در سطح کشور داشته باشیم و عده‌ای بیکار شوند و کسب و کارها از رونق بیفتند. اما ان‌شاءالله با تمرکز در این جبهه هم به پیروزی می‌رسیم و بار دیگر کسب و کارها رونق می‌گیرد و تهدید این منطقه هم به طور کلی برچیده می‌شود. هر گونه سستی و کوتاهی در این نبرد به راهبرد بنی‌صدر شباهت دارد؛ زیرا تا کنون مقامات آمریکایی و اروپایی تا سطح ریاست جمهوری از اغتشاشگران حمایت کرده‌اند. به گفته «ند پرایس»، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا دولت این کشور برجام را رها کرده و بر حمایت از اغتشاشگران در ایران تمرکز کرده است. اینکه بگوییم تمام کسب و کارها در اینستاگرام است هم جمله نادرستی است؛ زیرا فروشندگان کالا از بازاریابی و فروش همه‌جانبه (اومنی چنل) OmniChannel از طریق وبگاه‌های تجارت الکترونیکی، رایانامه، پیام‌رسان‌های موبایل، شبکه‌های اجتماعی داخلی و خارجی، پیامک، تبلیغات برخط و ... استفاده می‌کنند.

۲۶- چرا در کشور ما برخلاف تمام قوانین مرتبط با فیلتر شدن شبکه و

اینترنت مواجه هستیم؟

اولین کشور فیلترینگ کننده در فضای مجازی جهان «آمریکا» است؛ فیلترینگ اینترنت در آمریکا حذف یا مسدود کردن دسترسی به اطلاعات منتشر شده یا قابل مشاهده از طریق اینترنت داخل خاک این کشور است. روش فیلترینگ این کشور فیلتر از مبدأ از

طریق پلتفرم‌هاست؛ پلتفرم‌ها با هوش مصنوعی بسیاری از مطالب، فیلم‌ها و عکس‌ها را برای مردم آمریکا نشان نمی‌دهند و حتی در برخی از موارد اجازه نمی‌دهند مطالب، فیلم و عکس‌هایی که با قوانین آمریکا در تقابل است، در سایر کشورها دیده شود. نمونه مشخص آن حذف تصاویر، فیلم‌ها و متن‌های مرتبط با شهید حاج قاسم سلیمانی در شبکه‌های اجتماعی توئیتر، اینستاگرام و واتساپ است. اینستاگرام نه تنها عکس‌های حاج قاسم، حتی نماز خواندن رهبری بر پیکر شهید سلیمانی و فیلم هوایی از جمعیت میلیونی تهران هم را از صفحات رسمی در اینستاگرام حذف کرد و صفحات رسانه‌های رسمی کشور در اینستاگرام بسته شد. اینستاگرام فقط به پاک کردن پست کاربران و بستن صفحات خبرگزاری‌ها اکتفا نکرد و هر صفحه پرنبال‌کننده‌ای را که در آن اسمی از حاج قاسم بود، بست؛ مانند صفحه آستان قدس رضوی با نیم‌میلیون مخاطب که پس از پوشش مراسم تشییع شهید حاج قاسم سلیمانی در حرم مطهر رضوی بسته شد. این شبکه اجتماعی، حتی صفحه رسمی جشنواره فیلم فجر را به دلیل انتشار خبر اهدای تندیس سردار شهید حاج قاسم سلیمانی از دسترس خارج کرد.

حذف پست‌های مربوط به حاج قاسم (واژه قهرمان) «Hero» از پلتفرم‌های خارجی در حالی اتفاق افتاد که بدون اسم حاج قاسم از واژه‌ای که بر حاج قاسم دلالت داشت هم می‌ترسیدند. «قهرمان» به پرکاربردترین کلیدواژه در اینستاگرام و توئیتر تبدیل شد؛ اما آمریکا از میلیون‌ها مخاطبی که در جهان در خلق این واژه نقش داشتند، خجالت و شرم نکرد و با گستاخی همه آن واژه‌های زیبای خلق شده برای قهرمان صلح را پاک کرد.

چرا مدافعان آزادی بیان از این دیکتاتوری رسانه‌ای آمریکا و بی‌احترامی به مخاطبان آن سخنی به میان نمی‌آورند؟!

۲۷- چرا برای علوم دنیا باید فیلتر شکن استفاده شود؟

اولاً فیلتر اینستاگرام، تلگرام و واتساپ به معنای فیلتر اینترنت نیست و ۹۹ درصد اینترنت در ۹۹ درصد اوقات بدون محدودیت در دسترس است. ثانیاً، از ابتدای خلقت اینترنت تا کنون بیشترین بازدید و لایک در شبکه‌های اجتماعی مربوط به تصویر یک تخم‌مرغ در اینستاگرام بدون هیچ گونه توضیحی بوده است. این به آن معناست که واقعاً در اینترنت گاهی از یک تخم‌مرغ برای انحراف افکار عمومی در مقابل مسائل جدی‌تر استفاده می‌شود. ثالثاً صنعت تصاویر محرک و جنسی موفق‌ترین (پرسودترین) صنعت تجارت الکترونیک در آمریکا است و گوگل در آمریکا میزبان ۴۲۸ میلیون صفحه وب مستهجن است. این آمار نشان می‌دهد، ۶۰ درصد صفحات غیراخلاقی دنیا در ایالات متحده تولید می‌شود؛ اما آمریکا با تصویب قوانین متعدد با عناوین CAD ، COPPA ، COPA ، CIPA فیلترها و محدودیت‌هایی را برای استفاده از اینترنت وضع کرده تا بتواند بخشی از جامعه را از خطرات اخلاقی اینترنت مصون کند.

استفاده از اینترنت برای دسترسی به مباحث علمی محدودیتی جز پرداخت هزینه کتاب و مقالات ندارد؛ زیرا در اینترنت بسیاری از آثار ارزشمند به دلیل مالکیت فکری و معنوی فروخته می‌شوند و بسیاری از درگاه‌های داخلی و خارجی کتابخانه‌ها و مجامع علمی به

روی نخبگان باز است و حتی در صورت اشتراک در کتابخانه‌های داخلی و درخواست کتاب مورد نیاز، کتاب به سرعت در هر جای جهان تهیه شده و در اختیار قرار می‌گیرد.

۲۸- فیلترینگ چیست و چرا در کشور ما به این صورت گسترده وجود

دارد؟

فیلترینگ، عبارت است از محدود کردن دسترسی کاربران اینترنت به وبگاه‌ها و خدمات اینترنتی که بر اساس قانون برای جامعه، قشر یا افرادی مناسب نیست. فیلترینگ ممکن است به شیوه‌های زیر اعمال شود: ۱- دولت طبق قوانینی می‌تواند در سطح ملی اعمال کند، ۲. از طریق یک رساننده خدمات اینترنتی نسبت به مشتریانش، ۳. از طریق کارفرما برای نیروهایش، ۴. در مدرسه‌ای برای دانش‌آموزان خود، ۵. کتابخانه‌ای نسبت به بازدیدکنندگان، ۶. والدین نسبت به فرزندان و ...

به دلیل اطلاع‌رسانی نادرست عموم مردم فکر می‌کنند فقط در ایران فیلترینگ وجود دارد؛ اما در همه کشورها قوانین فیلترینگ با سختگیرانه‌ترین روش‌ها اعمال می‌شود. از طرف دیگر، با بررسی آماری موارد فیلترینگ مشخص شد، موارد اخلاقی و سیاسی در اولویت سیاست‌گذاری‌های این کشورها قرار دارد. بنابراین بیشتر کشورها به ویژه کشورهایی که داعیه دموکراسی و آزادی را دارند، از قوانین مربوط به فیلترینگ استفاده می‌کنند. برای نمونه، دولت آمریکا در سال ۱۹۳۴، قانونی را تصویب کرده است که در صورت اعلام وضعیت جنگی، تهدید جنگ یا «فاجعه یا اضطراب ملی»، رئیس‌جمهور آمریکا بتواند

ارتباطات باسیم و بی‌سیم را به طور کامل قطع یا تعلیق موقت کند. این اختیار طبق بخش ۷۰۶ از لایحه ارتباطات سال ۱۹۳۴ به رئیس‌جمهور محول شده است. این قانون هرچند قبل از تولد جوجه اینترنت از دل پنتاگون نوشته شده؛ اما اجرای همین قانون یک فرصت برای آمریکا است تا کلید اینترنت جهان را مانند کلید بمب اتم در دستان رئیس‌جمهور قرار دهد! در همه کشورها، قوانین متعددی برای فیلترینگ نوشته شده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- سیاست‌های کلی فیلترینگ حاکم بر اتحادیه اروپا بیشتر بر محورهای سیاست بین‌الملل، سیاست داخلی، تروریست، نژادپرستی و حوزه اخلاق است.

- موارد فیلترینگ در آلمان عبارت است از: طرفداران نازی، نژادپرستی، نفی هولوکاست، نفی سیاست‌های دولت، هرزه‌نگاری کودکان، عکس‌های غیر اخلاقی و مستهجن، مطالب خشونت‌آمیز و افراط‌گرایانه و ...

- موارد فیلترینگ در انگلیس هم عبارت است از: مخالفان دولت، هرزه‌نگاری کودکان، تجاوز پورنوی شدید، شکنجه، تهدیدات خارجی و تروریسم و ...

دولت کانادا از پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی خواست اقدامات بیشتری برای مقابله با اخبار جعلی و دروغ‌رسانی انجام دهند.

چین در سال ۲۰۱۶، ایجاد یا ترویج هرگونه شایعه‌ای را که باعث اختلال در نظم عمومی و اجتماعی شود، جرم‌انگاری کرد.

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در ژوئیه ۲۰۱۸، انتشار «خبر جعلی» را در موارد زیر جرم اعلام کرد: «ادعاهای غیردقیق، تقطیع‌شده یا اخباری که در آنها واقعیت‌ها به صورت نادرست گزارش شده‌اند تا سلامت آرا را زیر سؤال ببرند.

- در انگلستان (سال ۲۰۲۲) قانونی به نام «لایحه ایمنی انگلستان» تصویب شد که بر اساس آن مدیران شبکه‌های اجتماعی «شخصاً» مسئول محتوای مضر ارسال‌شده از طریق شبکه مربوطه هستند و در صورت جلوگیری نکردن از انتشار محتوای نامناسب و مضر، مجازات خواهند شد. به علاوه، شبکه‌های اجتماعی ملزم به جبران خسارت وارده به کاربران خود در موارد فوق خواهند بود. این قانون، به دولت حق اعمال جریمه و حتی «قطع دسترسی به سایت» و نیز محاکمه مدیران شبکه‌های اجتماعی را داده است. سقف جریمه شرکت‌های مالک شبکه‌های اجتماعی متخلف، نرخ سنگین ده درصد درآمد سالانه یا هجده میلیون پوند اعلام شده است. در بخشی از این قانون، تهدید برخط، مجازات زندان تا پنج سال به همراه خواهد داشت. همچنین طبق این قانون، ارسال تصاویر مستهجن، تحقیر بیماران صرع، تبلیغات کلاه‌بردارانه، به موارد قبلی در قانون مسئولیت مدیران شبکه‌های اجتماعی نسبت به محتوای ارسالی افزوده خواهد شد.

با نگاهی به مجموعه قوانین و مقررات فوق، درمی‌یابیم کشورهای مدعی آزادی، برخلاف القانات رسانه‌ای، مدیریت فضای مجازی خود را به شکلی بسیار منسجم و قانون‌مند و با شدت و غلظت به دست گرفته‌اند و از ایران انتظار دارند فضای مجازی خود را رایگان و بدون هیچگونه قانونی در اختیار آنها بگذارد.

فصل هفتم

دلایل هزینه‌های نظامی، حدود وظایف و اختیارات سپاه**۲۹- این همه هزینه و سرمایه‌گذاری در بخش نظامی معقولانه است؟**

بر اساس سیاست‌های کلی برنامه هفتم ابلاغی رهبر معظم انقلاب، حداقل ۵ درصد بودجه عمومی کشور به تقویت بنیه دفاعی تخصیص می‌یابد که این رقم در بودجه سال ۱۴۰۱ در حدود بالغ بر ۱۹۸ هزار و ۴۲۲ میلیارد تومان، معادل ۶.۶ میلیارد دلار است. با استناد به آمار مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم (SIPRI)، آمریکا ۸۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ هزینه کرده است که بالاترین هزینه نظامی جهان بود. این عدد ۱۲۰ برابر بودجه دفاعی ایران در سال ۱۴۰۱ است. حدود ۴۰ درصد کل هزینه نظامی جهان متعلق به آمریکا است. چین (۲۹۳ میلیارد دلار)، هند (۷۶.۶ میلیارد دلار)، انگلیس (۶۸.۴ میلیارد دلار) و روسیه (۶۵.۹ میلیارد دلار) در رده‌های دوم تا پنجم جهان قرار دارند. سه کشور چین، هند و روسیه در شعاع ۲۰۰۰ کیلومتری مرزهای ایران قرار دارند و انگلیس در قالب

ناتو در خلیج فارس حضور نظامی دارد. رژیم صهیونیستی ۲۵ میلیارد دلار در ۲۰۲۱ هزینه نظامی کرده که حدود چهار برابر بودجه دفاعی ایران است. عربستان نیز ۵۵ میلیارد دلار هزینه کرده که هشت برابر بودجه دفاعی ایران در سال ۱۴۰۱ است. در آماری دیگر بانک جهانی فهرستی از نسبت هزینه نظامی کشورهای جهان با تولید ناخالص داخلی GDP تهیه کرده است. بانک جهانی برآورد کرده است، رقم تولید ناخالص داخلی GDP ایران در سال ۲۰۲۰ بالغ بر ۱۹۲ میلیارد دلار بوده است. بانک جهانی هزینه نظامی ایران را ۲/۲ درصد تولید ناخالص داخلی کشور تخمین زده است. ایران با ۱۵ کشور همسایه است. درصد نسبت هزینه نظامی این کشورها نسبت به تولید ناخالص داخلی GDP از این قرار است: روسیه (۴.۳٪)، آذربایجان (۵.۴٪)، ارمنستان (۴.۹٪)، ترکیه (۲.۸٪)، عراق (۴.۱٪)، کویت (۶.۵٪)، عربستان سعودی (۸.۴٪)، بحرین (۴.۱٪)، قطر (۴.۸٪)، امارات (۵.۶٪)، عمان (۱۰.۹٪)، پاکستان (۴٪)، افغانستان (۱.۴٪)، ترکمنستان (۲.۹٪ تا ۳.۶٪) و قزاقستان (۱.۱٪). ایران با وجود آنکه هفدهمین کشور پرجمعیت و هجدهمین کشور پهناور جهان است، اما پایین‌ترین هزینه کرد نظامی در منطقه مسلح غرب آسیا را دارد و هزینه تمام شده ما در صنایع نظامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دنیا که عمدتاً وارد کننده تجهیزات نظامی هستند، بسیار پایین‌تر است؛ به گونه‌ای که ما توانستیم با این میزان هزینه به قدرتمندترین نیروی موشکی غرب آسیا و یکی از سه قدرت اصلی پهپادی جهان تبدیل شویم. دشمنان قبلاً می‌گفتند همه تجهیزات و امکانات نظامی ایران از قبیل موشک و پهپاد وارداتی و در حد مونتاژ کاری و فتوشاپ است و ایران قادر به ساختن این امکانات

نیست؛ اما با عملیاتی شدن این امکانات علیه دشمنان (از جمله حمله موشکی به پایگاه آمریکایی عین‌الاسد، سرنگونی پهپاد پیشرفته گلوبال هاوک به وسیله سامانه بومی سوم خرداد، حمله موشکی و پهپادی به مقرهای داعش و گروهک‌های تروریستی وابسته به آمریکا و رژیم صهیونیستی در سوریه و اقلیم کردستان) و همچنین صادرات تجهیزات نظامی به کشورهای مختلف، از جمله روسیه که خود یکی از کشورهای قدرتمند دنیا در تولید سلاح و صنایع نظامی است، همگان به توانمندی جمهوری اسلامی ایران در صنایع نظامی و دفاعی اذعان دارند. «مکنزی» فرمانده پیشین سنتکام (۲۰۱۹-۲۰۲۲ میلادی) و فرمانده عملیات ترور سردار سلیمانی، قدرت نظامی ایران را در سطح OverMatch قلمداد کرده است. این واژه به معنای آن است که اگر جنگی شروع شود، آمریکا و متحدانش قادر به تسلط بر میدان نبرد به دلیل بارش موشک‌ها و پهپادهای ایران نیستند. نکته مهم آن است که تمام این پیشرفت‌ها و افتخارات در اوج تحریم‌های ظالمانه دشمنان علیه جمهوری اسلامی و با دستاوردان دانشمندان و جوانان نخبه در کشور به منزله یک صنعت کاملاً بومی و ایرانی حاصل شده است و این یک افتخار تاریخی برای ایرانیان است. واقعیت آن است که منطق دنیای امروز، منطق قدرت است که در آن قدرت‌های بزرگ‌تر بر کشورهای ضعیف مسلط خواهند شد. بر خلاف تصور اشتباه برخی‌ها، گفتمان امروز در دنیا گفتمان موشک‌هاست؛ به خصوص در منطقه غرب آسیا که ما در آن قرار داریم و همواره کانون درگیری و منازعات مسلحانه و خونین بوده است. در همین سال‌های اخیر اگر قدرت دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران نبود، چه بسا خطر

و تهدید آمریکا و رژیم صهیونیستی و گروه‌های نیابتی وابسته به آنها، از جمله گروهک تروریستی داعش و نظایر آن می‌توانستند حوادث غمبار و رقت‌انگیزی را نظیر آنچه در عراق و سوریه رقم خورد، در کشور ما و علیه مردم ما به وجود بیاورند. اصولاً نوک پیکان تمام سیاست‌های شوم و خبیثانه آمریکا و اذناش، ضربه زدن به جمهوری اسلامی به منزله کانون الهام بخش مقاومت در منطقه غرب آسیا بوده است. بنابراین، در صورتی که ما به لحاظ نظامی و دفاعی خود را مجهز نکنیم و قدرت بازدارندگی ایجاد نکنیم، خطر و تهدید نظامی از سوی دشمنان جدی و واقعی و یک گزینه کاملاً در دسترس علیه ماست و کوچک‌ترین غفلت منجر به آسیب‌های جبران‌ناپذیر خواهد شد.

۳۰- چرا سپاه در همه امور سیاسی، اقتصادی ... کشور دخالت می‌کند؟

بحث دخالت سپاه در همه امور تعبیر درستی نیست. بحث دفاع سپاه در برابر همه تهدیداتی است که کیان ایران و انقلاب اسلامی را می‌تواند به مخاطره بیندازد. بسیاری از مسائلی که برخی گروه‌های سیاسی در فضای سیاسی جامعه درباره سپاه مطرح می‌کنند، بر این مبنا استوار است که سپاه یک نیروی صرفاً نظامی بوده و به جز نظامی‌گری هیچ گونه نقش دیگری را نباید ایفا کند. آیا واقعاً سپاه یک سازمان انقلابی صرفاً نظامی است؟! اگر چنین است، پس این تهدیدات غیرنظامی با ماهیت نیمه سخت و نرم علیه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را چه کسی باید پاسخگو باشد؟! آیا سپاه برای مقابله با تهدیدات، رسالت، مأموریت و وظیفه ندارد؟! رجوع به قانون پاسخ این پرسش‌ها را می

دهد؛ برابر نص صریح قانون اساسی، (اصل ۱۵۰) فلسفه وجودی و ماندگاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی «نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن» است. شک نمیتوان کرد که ایفای این نقش و مأموریت مستلزم شناخت و بصیرت خانواده بزرگ سپاه (سپاه و بسیج) از انقلاب، دستاوردهای ارزشمند آن، آسیب‌ها و تهدیداتی که متوجه آن بوده یا خواهد بود، راه‌های مقابله با مخاطرات و تهدیدات و همچنین هوشیاری و آمادگی مستمر، عالمانه و مؤثر برای دفاع همه‌جانبه در عرصه‌های مختلف است. همین خصوصیت، سپاه را از نیروهای مسلح متمایز می‌کند.

به استناد فصل اول اساسنامه سپاه پاسداران مصوب (۱۳۶۱/۶/۱۵) مجلس شورای اسلامی، «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نهادی است تحت فرماندهی عالی رهبر معظم انقلاب که هدف آن نگهبانی از انقلاب اسلامی، دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی و گسترش حاکمیت قانون طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی می‌باشد.» بر اساس قوانین موضوعه (قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی)، نیروهای مسلح و از جمله سپاه تحت فرماندهی معظم کل قوا بوده و تدابیر معظم له در خصوص این نیروها در حکم قانون است. در سند رسالت سپاه که به تصویب فرماندهی معظم کل قوا رسیده و به سپاه پاسداران ابلاغ شده، بر دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن در برابر تهدیدات سه‌گانه «سخت»، «نیمه سخت» و «نرم» به عنوان رسالت سپاه تصریح شده است.

فصل دوم اساسنامه سپاه پاسداران در قالب ۱۰ ماده و دو تبصره به تشریح مأموریت سپاه، حیطة و چگونگی انجام آن اشاره دارد و «مبارزه قانونی با عوامل و جریان‌هایی که درصدد خرابکاری، براندازی نظام جمهوری اسلامی و یا اقدام علیه انقلاب اسلامی ایران می‌باشند»، «مبارزه قانونی با عواملی که با توسل به قوه قهریه درصدد نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی باشند»، «پرورش و آموزش اعضای سپاه طبق تعالیم و موازین اسلامی مبتنی بر رهنمودهای ولایت فقیه در زمینه‌های عقیدتی، سیاسی و نظامی در جهت کسب توان لازم به منظور انجام مأموریت‌های محوله» و «برنامه‌ریزی، سازماندهی، اداره و فرماندهی و اجرای آموزش‌های عقیدتی، سیاسی و نظامی اعضای بسیج مستضعفین بر طبق موازین اسلامی» از جمله مقرره‌های این فصل هستند. براساس ماده ۲۷ اساسنامه سپاه، مأموریت و وظایف مصوب دفتر (معاونت) سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه به اشراف خبری - تحلیلی بر محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، آگاه‌سازی سیاسی و اطلاع‌رسانی، ارتقای سطح معرفت و بصیرت سیاسی گسترده مأموریتی سپاه به بهره‌گیری از شیوه‌ها و سازوکارها در راستای عمق‌بخشی آگاهی‌ها و ارتقای بینش و بصیرت سیاسی است. برداشت‌هایی که بر اساس آن سپاه را همانند ارتش، یک نیروی صرفاً نظامی دانسته و این برداشت با حقایق و واقعیت‌ها مغایرت دارد.

در خصوص شبهه فعالیت‌های اقتصادی سپاه، توضیح اینکه برابر اصل ۱۴۷ قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی نیروهای مسلح موظفند با حفظ آمادگی رزمی خود در برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت جمهوری اسلامی مشارکت کنند. در همین دوران

اول انقلاب و دوران جنگ، سپاه تلاش‌های گسترده‌ای را انجام می‌داد تا بتواند در کنار برقراری امنیت و پدافند داخلی در امر توسعه هم تلاش‌هایی را داشته باشد، ولی گستردگی فعالیت‌های سازندگی سپاه پس از جنگ بود که با تشکیل قرارگاه سازندگی تلاش‌های گسترده‌ای را در زمینه راه‌سازی خطوط انتقال آب و گاز و اسکله‌سازی، ساختمان‌سازی، صنعت، کشاورزی و سدسازی، حمل‌ونقل دریایی، ساخت پالایشگاه و فعالیت‌های دیگری که احساس نیاز می‌شد، انجام داده است. همچنین با تشکیل بسیج سازندگی به فرمان رهبر معظم انقلاب در نیروی مقاومت بسیج شکل دیگری از همکاری سپاه و بسیج در امر سازندگی کشور انجام شد. در همین زمینه لازم است به فعالیت‌های امدادرسانی که سپاه در حوادث غیر مترقبه نظیر سیل و زلزله در مناطق مختلف کشور انجام داده است و همچنین پروژه‌های محرومیت‌زدایی در نقاط محروم کشور اشاره کرد. قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء نیز عمده‌تاً در پروژه‌هایی وارد می‌شود که اولاً برای کشور اهمیت حیاتی داشته باشد و ثانیاً سایر شرکت‌ها از انجام دادن آن عاجز بوده یا با شرایط مالی چندین برابر حاضر به انجام آن باشند. برای نمونه، عملکرد موفق قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء در ساخت ابرپروژه پالایشگاه ستاره خلیج فارس منجر به دستاوردهای راهبردی، از جمله افزایش چشمگیر تولید بنزین کشور، بی‌اثر کردن تحریم واردات بنزین و صادرات میعانات گازی، بهبود کیفیت سوخت، سودآوری بالای اقتصادی (سالانه بیش از ۱/۵ میلیارد دلار)، بازیابی قیمت واقعی میعانات گازی و اشتغال‌زایی بالا برای کشور شده است. پس فعالیت‌های اقتصادی سپاه مبنای قانونی داشته و بنا به درخواست

دولت‌ها و در جهت شتاب‌دهی به پروژه‌های عمرانی و زیرساختی صورت می‌گیرد و محدودکننده میدان عمل برای سایر بنگاه‌های اقتصادی کشور نیست.

۳۱- با توجه به وجود ارتش در کشور، فلسفه وجود سپاه چیست؟

از مهم‌ترین نیازهای انقلاب اسلامی بلافاصله پس از پیروزی در بهمن ۵۷، مقابله با تحریکات ضد انقلاب در داخل و ختنی‌سازی توطئه‌های خارجی بود؛ به همین دلیل در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ حضرت امام(ره) با درک عمیق از خطرها و تهدیدها علیه انقلاب اسلامی به شورای انقلاب فرمان داد تا نهادی برخاسته از ملت برپا شود که حافظ امنیت ایران و اسلام شود. فرمانی که خیلی سریع عملیاتی و در نهایت منجر به تشکیل سپاه پاسداران با نقش بارز جوانان مؤمن انقلابی شد. درباره انتخاب نامی که نشان‌دهنده روح حاکم بر این نهاد باشد، بحث‌های فراوانی پدید آمد و در نهایت، این نهاد عنوان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» به خود گرفت. شاید در آن روزهای نخست که هدف سپاه را پاسداری از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن مطرح می‌کردند، تصور نمی‌شد چه مسئولیت سنگین و رسالت خطیری به عهده این تشکیلات تازه تأسیس و جوانان برخاسته از دل این انقلاب خواهد بود، اما از آنجا که محرک حضور در این نهاد خدمت بی‌شائبه به انقلاب اسلامی و ملت ایران و اطاعت محض و عاشقانه از مقام والای ولایت فقیه بود، جملگی به عنوان بازوی توانمند ولایت فقیه، خویشان را برای هر نوع مأموریت محوله آماده کرده بودند. از همان زمان تأسیس، سپاه همواره شبهاتی در مورد تشکیل این

نهاد پرسیده می‌شد و این طور مطرح می‌کردند که با وجود کمیته‌های انقلاب اسلامی، شهربانی، ژاندارمری، ارتش و حتی گروه‌های مسلح وفادار به انقلاب دیگر چه نیازی به تأسیس نهاد جدیدی به نام سپاه پاسداران وجود دارد؟ البته این پرسش‌ها بعدها و در طول دوران جنگ تحمیلی هم مطرح شد و این جملات به گوش می‌رسید که باید «سازمان‌های موازی حذف شوند» یا اینکه اصلاً «چرا سپاه با ارتش ادغام نمی‌شود»، مگر یک کشور به چند نهاد نظامی نیاز دارد؟ این پرسش، بسیار مهم و کلیدی است که یافتن پاسخ درست آن، در گرو فهم و درک عملکرد سپاه در حوزه‌های گوناگون است. بسیاری از کسانی که در سال‌های گذشته یا هم‌اکنون نقدهایی را نسبت به عملکرد سپاه دارند و برخی اقدامات سپاه را از نظر قانونی دارای اشکال می‌دانند، به فلسفه وجودی سپاه کمتر توجه می‌کنند؛ چرا که سپاه را صرفاً یک نیروی مسلح می‌دانند و حتی بر این مبنا، گهگاهی سخن از ضرورت ادغام به میان می‌آورند؛ اما سپاه یک ارتش دوم با همان فلسفه وجودی نیروهای نظامی و وظایف آن نیست. در حالی که وظیفه تمام ارتش‌ها در دنیا، از جمله ارتش جمهوری اسلامی، حفظ استقلال و تمامیت ارضی و مقابله با تهاجمات نظامی بیگانه است، سپاه با فلسفه وجودی دیگری تأسیس شد. برخورداری سپاه از بُعد نظامی و ماهیت نظامی‌گری، نباید فلسفه وجودی آن را تحت الشعاع قرار دهد. تأمل در اطلاعیه شورای انقلاب اسلامی و همچنین اصل ۱۵۰ قانون اساسی، نشان می‌دهد سپاه فلسفه‌ای متفاوت از سایر نیروهای مسلح کشور دارد؛ اگرچه در بسیاری از امور با آنان همکاری دارد و حسب شرایط به آنان کمک می‌کند. در اطلاعیه تأسیس شورای انقلاب

در دوم اردیبهشت سال ۱۳۵۸، از عبارت «پیشبرد امر عظیم انقلاب اسلامی» برای بیان فلسفه، مأموریت و وظایف سپاه استفاده شده است. در اصل ۱۵۰ قانون اساسی نیز جایگاه سپاه در ساختار حقوقی نظام اسلامی به وضوح مشخص شده است. در این اصل آمده است: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر، با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین می‌شود.» بنابراین می‌توان گفت، سپاه تنها نهاد تأسیس شده پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که وظیفه اصلی آن حفاظت از انقلاب، نگهبانی از انقلاب و پیشبرد انقلاب اسلامی مردم ایران است. این سخن وظایف دیگران برای پاسداری و حفاظت از انقلاب را نفی نمی‌کند؛ بلکه تأکید دارد «فلسفه وجودی سپاه»، «پاسداری» از انقلاب اسلامی است؛ بر همین اساس گفته می‌شود سپاه دارای ماهیت چندبعدی برای عمل در تمام صحنه‌ها و عرصه‌هاست. در واقع، سپاه باید به نیاز انقلاب اسلامی و ملت ایران در هر شرایطی، برای بقا و حرکت به سمت آرمان و اهدافش پاسخ دهد. سپاه باید هر نوع خطر و تهدید متوجه انقلاب اسلامی و ایران اسلامی را خنثی و مرتفع کند. با چنین نگاهی به فلسفه وجودی سپاه، در رسالت مصوب و ابلاغی از سوی فرماندهی معظم کل قوا، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به مقابله با انواع تهدیدات (سخت، نیمه‌سخت و نرم) و عمق‌بخشی داخلی و خارجی تصریح و تأکید شده است؛ بنابراین عمل و اقدام سپاه در

حوزه‌های نظامی، امنیتی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و دیگر حوزه‌ها، به همین رسالت سپاه برمی‌گردد.

فصل هشتم

نحوه مدیریت و هزینه کرد منابع نفتی

۳۲- چرا با اینکه ما کشور نفت خیزی هستیم، آن را در سفره خودمان نمی بینیم و لمس نمی کنیم؟ مطمئن باشید اگر پول نفت را به خود مردم می دادند، بهتر از دولت آن را مدیریت می کردند.

برخی از گلایه های جامعه ما حاصل ذهنیت اشتباه پیرامون درآمد نفتی کشور است. پیرامون این سؤال باید به اعداد و ارقام توجه کنیم تا متوجه شویم افسانه نفت در اذهان ما واقعی نیست.

۱- صادرات ایران قبل از تحریم حدود ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز بود که این رقم با توجه به جمعیت قبل از تحریم ۸۰ میلیون نفر ۰.۸۶ درصد یک بشکه در ماه می شود که حتی به یک بشکه کامل هم نمی رسد.

۲- اکنون ما حدود ۸۵ میلیون نفر جمعیت داریم، در بودجه ۱۴۰۱ رقم ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز برای صادرات نفت پیش بینی شده است که این رقم با توجه به جمعیت ۸۵ میلیون نفری به ازای هر ایرانی حدود ۰.۴۹ از یک بشکه، یعنی کمتر از نصف یک بشکه کامل در ماه خواهد بود.

۳- طبق قانون ۲۶ درصد از درآمد نفت مستقیماً به صندوق توسعه ملی واریز می‌شود و ۱۴.۵ درصد از این درآمدها هم در اختیار شرکت ملی نفت قرار می‌گیرد تا صرف هزینه‌های سرمایه‌گذاری این شرکت شود. بنابراین تنها ۵۹.۵ درصد از کل درآمد نفت به بودجه دولت وارد می‌شود.

۴- در یک ضرب و تقسیم ساده، اگر دلار را ۳۰ هزار تومان و قیمت نفت را در آرمانی‌ترین شرایط ۱۰۰ دلار محاسبه کنیم، با کسر همه هزینه‌ها و برگشتن همه پول‌ها به ایران پول نفت به ازای هر ایرانی در ماه در شرایط فعلی چیزی حدود ۸۸۲ هزار تومان می‌شود که یک عدد بسیار ناچیز در اذهان همه ماست.

۵- اینکه برخی ما را با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس حساب می‌کنند، یک پدیده اشتباه است؛ چرا که یک مقایسه ساده با در نظر گرفتن جمعیت بومی این کشورها که برخی، مانند بحرین و قطر ۲ یا ۳ درصد جمعیت ما را دارند و میزان صادرات آنها با جمعیت ایران قبل از تحریم با فرض صادرات کامل نفت نشان می‌دهد، یک سال صادرات نفت به ازای هر یک نفر عربستانی مساوی است با ۱۸ سال صادرات نفت به ازای

هر ایرانی و همین طور یک کویته ۵۳ سال، یک اماراتی ۶۰ سال و یک قطری ۱۳۵ سال یک ایرانی صادرات دارد، چون جمعیت خیلی کمتری دارند.

۶- از سویی این بودجه صرف کارهای مختلفی، همچون درمان، رفاه و آموزش و ... می شود و لذا پولی نیست که پس انداز شود و در بیشتر سالها دولت با کسری بودجه نیز مواجه بوده است.

۳۳- چرا ما به فلسطین و سوریه و ... کمک می کنیم، در صورتی که خودمان فقیرهای زیادی داریم که اگر این کمک ها به آنها می رسید، اینقدر نیازمند نبودند؟

اولین نکته این است که دفاع ما از برخی کشورهای منطقه و حضور در آن جا برای صیانت از ایران و امنیت ملی است. درحقیقت ایران با هوشمندی اولین خاکریز مقابله و دفع تهدیدات را در همان جایی قرار داده که به یقین ظهور و بروز تهدید علیه ایران بود.

برای نمونه، اگر ایران علیه داعش در سوریه و عراق وارد عمل و اقدام نظامی نمی شد، این گروه تروریستی که پشتیبانی آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی دولت های عربی منطقه را داشت، کل منطقه را می بلعید. اگر به فرمایش رهبر معظم انقلاب در سوریه و عراق با تروریست ها جنگ نمی کردیم، باید در داخل مرزهای خودمان با اینها جنگ می کردیم و در این صورت خسارت های بسیار زیادی به ملت ایران تحمیل می شد.

دومین نکته اینکه ما باید بدانیم، در کشور ما بودجه را دولت به مجلس پیشنهاد می‌دهد و در مجلس با رأی نمایندگان تصویب می‌شود. در دفترچه بودجه، بودجه هر وزارتخانه تفکیک شده است و هزینه هیچ کدام از حوزه‌ها، مانند آموزش، بهداشت، دفاعی و .. در حوزه دیگر مصرف نمی‌شود. هزینه بسیار ناچیز حضور دفاعی و مستشاری ایران در منطقه در چارچوب بودجه دفاعی و برای تأمین امنیت پایدار ایران در نظر گرفته شده است.

نکته سوم اینکه در بودجه سال ۱۴۰۱ اعتباری بالغ بر ۱۹۸ هزار و ۴۲۲ میلیارد تومان در فصل امور دفاعی و امنیتی بودجه ۱۴۰۱ در نظر گرفته شد. این عدد معادل ۶.۶ میلیارد دلار است. بودجه ایران در سال جاری معادل ۱۲۰ میلیارد دلار معین شد؛ یعنی بودجه دفاعی ۵.۵٪ بودجه کل کشور است. کلیه هزینه دفاعی ایران، نظیر توسعه برنامه موشکی و حضور منطقه‌ای در کشورهای بحران‌زده غرب آسیا از این ۵.۵٪ هزینه می‌شود.

بانک جهانی برآورد کرده است، رقم تولید ناخالص داخلی GDP ایران در سال ۲۰۲۰ بالغ بر ۱۹۲ میلیارد دلار بوده است. بانک جهانی هزینه نظامی ایران را ۲.۲٪ تولید ناخالص داخلی کشور تخمین زد. ایران با ۱۵ کشور همسایه است. درصد نسبت هزینه نظامی این کشورها نسبت به تولید ناخالص داخلی GDP از این قرار است: روسیه (۴.۳٪)، آذربایجان (۵.۴٪)، ارمنستان (۴.۹٪)، ترکیه (۲.۸٪)، عراق (۴.۱٪)، کویت (۶.۵٪)، عربستان سعودی (۸.۴٪)، بحرین (۴.۱٪)، قطر (۴.۸٪)، امارات (۵.۶٪)، عمان (۱۰.۹٪)، پاکستان (۴٪)، افغانستان (۱.۴٪)، ترکمنستان (۲.۹٪ تا ۳.۶٪) و قزاقستان (۱.۱٪).

پس براساس آمارها فقط نسبت هزینه نظامی به تولید ناخالص داخلی GDP کشور جنگ‌زده افغانستان و کشور محصور در خشکی قزاقستان از ایران کمتر است.

قوی بودن ایران در حوزه نظامی را نباید حاصل بودجه بالای آن دانست؛ بلکه حاصل راهبرد قوی، نیروی انسانی و نخبگان متعهد ماست. برای اینکه عینی‌تر مسئله را بشکافیم؛ برای نمونه، قیمت یک سوخوی ۳۵ مسلح به عنوان یک هواپیمای جنگنده مدرن بین ۶۵ تا ۱۰۰ میلیون دلار بستگی به آپشن‌های آن برآورد می‌شود. در صورتی که قیمت یک پهپاد ایرانی مانند شاهد ۱۳۶ در رسانه‌ها حدود ۲۰ هزار دلار ذکر شده است که در یک محاسبه سرانگشتی قیمت یک سوخو معادل بیش از ۳۰۰۰ پهپاد است. البته هر یک از تسلیحات کارآیی خاصی دارند و این مثال صرفاً برای تقریب به ذهن بود.

نکته مهم اینکه در کمک به گفتمان مقاومت علاوه بر مؤلفه‌های انسان‌دوستانه و مذهبی که بسیار مهم و اساسی است، باید به راهبرد ایران هم اشاره کرد که این راهبرد بر اساس یک محاسبه سرانگشتی اینگونه است که ما بین تقویت یک گروه همراه با ایران اسلامی یا خرید یک سلاح مدرن، برخی مواقع راهبرد اول را انتخاب می‌کنیم و این در طول ۴۳ سال گذشته هم جواب داده است. این موضوع علاوه بر افزایش قدرت سخت موجب افزایش قدرت نرم هم خواهد شد.

برای اینکه بدانیم ما چقدر در منطقه هزینه کرده‌ایم، یکی از راه‌ها استناد به صحبت دشمنان است. «برایان هوک» رئیس گروه اقدام ایران در وزارت خارجه آمریکا در سال ۲۰۱۹ گفت: «ایران رژیمی است که از سال ۲۰۱۳ میلادی تا سال ۲۰۱۹ حدود ۱۶ میلیارد

دلار در عراق، سوریه و یمن به منظور حمایت از گروه‌های شبه نظامی مختلف، تولید موشک، و همه گونه تهدید علیه صلح و امنیت هزینه کرده است.»

این در حالی ست که عربستان سعودی به اذعان خودشان در خوش‌بینانه‌ترین حالت هر روز برای جنگ یمن ۲۰۰ میلیون دلار هزینه می‌کنند و موفق نشده‌اند. در دو سال این رقم به ۷۲ میلیارد دلار و در سه سال گذشته به ۲۱۶ میلیارد دلار رسیده است. یا آمریکایی‌ها بیش از ۷ تریلیون دلار در منطقه هزینه کرده‌اند؛ ولی جمهوری اسلامی موفق‌تر بوده و طرح‌های آمریکایی را در منطقه به شکست کشانده است.